



مصاحبه اختصاصی با:  
دکتر فضل الله صلواتی

ماهنامه  
فرهنگی - سیاسی  
**بیتنام**

**سوال:** ملی شدن صنعت نفت و خلع ید استعمار بر چه منافع و تبعاتی برای ایران داشت و بعد از دولت دکتر مصدق این ثروت ملی بدست بیگانگان نیافتد و آیا بهتر نبود در یک پروسه طولانی مدت و با یادگیری فنون استخراج و پالایش از آنها، سپس اقدام به بیرون کردن آنها و ملی شدن صنعت نفت می شد؟

دکتر مصدق یک جریان و یک انقلاب تحول زا بود که مردم ایران در برابر استعمار انجام دادند. دوران دیکتاتوری رضاخان و فشار های آن دوره و عواقب جنگ دوم جهانی و مشکلاتی که ایجاد کرد و بدتر از همه مردم می دیدند که منافع آنها توسط دولت انگلیس از بین می رود و ملت ایران کمترین سهمیه ای از درآمد نفت نداشتند و مالیات نمی پرداختند و بیشترین را انگلیس می برد و حساب و کتابی هم نبود و قرار دادها یک طرفه بسته می شد.

با حضور نیرو های ملی و درس خوانده که بعد از رضاخان به روی کار آمدند، تصمیم گرفتند که سرنوشت نفت ایران به دست خود مردم ایران باشد و جبهه ملی را تشکیل دادند که نیروهای ملی و مذهبی در آن گرد هم آمدند. اتکای نیروهای ملی و مذهبی به همدیگر و وحدت آنها باعث ایجاد تشکلی به نام جبهه ملی شد که مردم از روحانی، بازاری و تحصیل کرده همه از آن حمایت می کردند.

در آن زمان روحانیونی مثل آیت الله زند کرمانی، آیت الله خادمی، آیت الله عشی، آیت الله جرقویه ای و آیت الله شمس اردکانی کسانی بودند که از مصدق و کاشانی در جهت ملی شدن صنعت نفت حمایت می کردند و جلودار حرکت های مردمی بودند.

انگلیس در مدت در حدود هفت دهه که نفت ایران را در اختیار داشت از نیروهای ایرانی فقط در مشاغل کارگری و سطح پایین استفاده می کرد و هیچ فنی را در اختیار ایرانیان نمی گذاشت و هزینه های کلانی را برای تعمیر پالایشگاه آبادان بر ملت تحمیل می کرد و از بعضی از قسمت ها نظیر برج تقطیر به ایرانیان حتی اجازه ورود هم نمی دادند و ایرانیان در امر استخراج، پالایش و نیز صادرات آن عملاً هیچ محلی از اعراب نداشتند.

بزرگترین حادثه این بود که نفت ملی شد، دولت هژیر و رزم آرا مخالف ملی شدن آن بودند. استدلال رزم آرا هم همین بود که ما فاقد تکنیک و علم استخراج و پالایش هستیم ولی سرانجام نفت در کمیسیون نفت مجلس ملی اعلام شد و جبهه ملی مصدق را به عنوان نخست وزیر معرفی کرد. با انتخاب او و تلاشهای فراوان که در این زمینه انجام داد توانست که صنعت نفت را از چنگ انگلستان بیرون آورد و حتی در دادگاه بین المللی الهه هم با دفاعیات قاطعی که انجام داد توانست رای آنها را به نفع ایران تغییر دهد.

بعد از جنگ جهانی دوم که آلمان شکست خورد ولی دولت بریتانیا هم بسیار ضعیف شده بود و احتیاج به نفت ایران داشت و می خواست خود را با استفاده از منابع ما نیرومند کند و همانطور که بعد از کودتای انگلیسی و آمریکایی که به واسطه سرلشکر زاهدی صورت گرفت و باعث بازگرداندن شاه شد، دوباره سلطه خود را بر نفت بدست آوردند و با تشکیل کنسرسیوم فقط از ملی شدن صنعت نفت اسمی باقی ماند و شرکت نفت ایران-انگلیس تبدیل شده بود به شرکت ملی نفت ایران.

**سوال:** آیا التزام و احترام بسیار زیاد دکتر مصدق به قانون باعث ضربه زدن به اهداف و فعالیت های ایشان نشد؟

بعد از رضا شاه دوران هرج و مرج شروع شد و تا وقتی مجلس توانست حاکمیت خود را تثبیت کند این وضع ادامه داشت. دکتر مصدق پایبند به دموکراسی و قانون مداری بود و گرنه او هم شخصی مثل رضاشاه می شد همانطور که بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم دوباره شاه فوق قانون شد و هر کاری خواست انجام داد.

# بیتنام

مصاحبه اختصاصی با:

دکتر فضل الله صلواتی

قانون مداری مصدق از مهمترین کارهای ایشان بود و یکی از ارزشهایی که ما برایشان قائلیم بعد از پنجاه و چند سال این بود که او طرفدار اجرای قانون بود و بعضی ها معتقدند که یکی از عللی که باعث ایجاد فاصله بین مصدق و کاشانی می شد همین قانون مداری او بود زیرا مذهبیهون از مصدق انتظار داشتند که با بعضی گروه های بی دین و ضد دین برخورد کند و آنها را در محدودیت قرار دهد ولی مصدق می گفت باید همه طبق روال قانون عمل کنند.

**سوال:** برخورد روحانیون بعد از جدایی از کاشانی و بعد از کودتای ۲۸ مرداد و موضع آنها چگونه بود؟

بعد از کودتا شرایط ویژه ای بر ایران حاکم بود و مزدوران و لمین ها به شخصیت ها اهانت می کردند و علما نیز از اینگونه افراد حضر داشتند. مذهبیهون با استقایی مصدق و در خانه نشستن او مخالف بودند و ترس حاکم شدن کمنیسم در ایران را داشتند و حزب توده که پرچم دار تفکر چپ در ایران بود، با حمایت شوروی، تفکرات ضد دین و خدا را مطرح می کرد و بر طرفدارانش افزوده می شد. مذهبیهون بر این عقیده بودند که شاه با همه بدی ها و کاستی ها که داشت می تواند جلوی این حزب را بگیرد و این آزادی و دموکراسی که مصدق به آن پایبند بود باعث سوء استفاده حزب توده می شد و چه بسیار اهانت هایی که به مذهبی ها می کردند و یکی از مهمترین دلایل جنبش ملی ایران و کودتای ۲۸ مرداد توطئه های حزب توده بود که آسیب های ناشی از آن غیر قابل جبران است. افرادی مثل آیت الله بروجردی که نمی توانستند در مقابل این همه بی حرمتی به دین و دین داران بی تفاوت باشند و به اتخاذ بعضی موضع گیری های پرداختند. ولی بر مصدق هم برای ایجاد فضای آزاد نمی توان خورده گرفت چون او آزادی را برای همه می خواست ولی او باید در مقابل گروه هایی که از این فضا سوء استفاده می کردند قاطعانه می ایستاد.

**سوال:** آیا اختلاط جنبش های ملی و مذهبی با توجه به تفاوت پایگاه های فکری آنها که بعضا در موضع گیری ها، آنها را در مقابل یکدیگر هم قرار می دهد، سرانجامی دارد؟

مشکلی بین این دو وجود ندارد و بزرگان ما هم نظیر فردوسی یک شخصیت ملی و مذهبی است و تمام منافع و جان و زندگی را بر روی اندیشه مذهبی خود گذاشت و در عین حال یک وطن دوست کامل بود. از آن زمان تا کنون هیچ تضادی بین این دو نبوده و بعد از مصدق هم آیت الله زنجانی، آیت الله طالقانی، دکتر سبحانی و مهندس بازرگان، نهضت آزادی را ایجاد کردند و هیچ تضادی هم در روند کار آنها وجود نداشت و حتی یکی از شاخصترین چهره ها در انقلاب مهندس بازرگان بودند و چهار اصلی که نهضت آزادی را بر آن استوار کرد:

۳. راه مصدق را ادامه می دهیم

۱. مسلمانیم

۴. ما پیرو قانون اساسی هستیم

۲. ایرانی هستیم

نیروهای ملی و مذهبی همیشه با هم بوده اند. و اگر در تاریخ اختلاف نظرهایی می بینیم یا به دلیل سفارش ها و توطئه های خارجی بود و یا حرفاً اختلاف نظر بوده است.

در ضمن این اختلاف امری بدیهی است؛ مثلاً در هم اکنون روحانیت مبارز و روحانیون مبارز داریم، که هر دو مذهبی، روحانی، در یک حوزه کارکرد و هر دو در تشیع ثابت قدم هستند ولی باز هم اختلاف نظر دارند. اگر به گفته امام مسئله طلبگی حل شود، که در بحث بسیار جدی و تند باشند ولی در عین حال با هم رفیق باشند و اگر در مقابل یکدیگر هم، صف آرای می کنند و در برنامه رادیو و تلویزیون به آنها توهین شود و شورای نگهبان آنها را رد صلاحیت کنند آنوقت فاجعه می شود.

مصاحبه اختصاصی با:

دکتر فضل الله صلواتی

**سوال:** اگر منصفانه با تاریخ نگاه کنیم، اشتباهات مصدق چه بوده است؟

البته هر انسانی خطا می کند و در حدیثی هم داریم که فرزندان آدم همه خطا می کنند ولی بهترین خطا کاران آنهایی هستند که از خطای گذشته عبرت بگیرند. بعضی ها معتقدند که انحلال مجلس هفدهم باعث ایجاد استبداد شد و عمل غیر دموکراتیکی بود، با اینکه بسیار به دموکراسی و آزادی پایبند بود ولی در بعضی مواقع نظر خاصی را تحمیل می کرد. بعضی ها از حمایت او از سلطنت خورده می گیرند ولی در آن شرایط این کار لازم بود.

بعضی ها به لغب مصدق السلطنه خرده می گیرند و سوء استفاده می کنند در صورتی که پدر وی عضو دربار و از معتقدین به ناصرالدین شاه بود و از این بابت این لغب را گرفته بود ولی زمان رضا شاه مجلس الغاب را لغو کرد. سلطنت الدوله حذف و به مصدق تبدیل شد. مخالفانش معتقد بودند که او وابسته به شاه بوده است. تحلیل هر موضوع و هر شخصیتی را باید متناسب با زمانش انجام دهیم. شرایط را باید با شرایط زمان مقایسه کرد هر کس نقطه ضعف ها و اشتباهاتی دارد ولی در مقابل نقاط مثبتی هم دارد.

**سوال:** موقعیت جامعه ما؟ اهمیت انتخابات ریاست جمهوری؟ حضور آقای هاشمی چه تغییری در ساختار حکومت ایجاد می کند؟

آمریکا مزدور است و این زورگویی وابسته به اسرائیل است. هزاران سال است که ما با یهودیان زندگی مسالمت آمیزی داشته ایم ولی از سال ۱۹۴۷ که این گروه آمدند و سرزمین فلسطین را اشغال کردند، موجب بروز اختلافاتی شدند. نظر وزیر امور خارجه انگلیس در سال ۱۹۱۷ این بود که کشوری برای اسرائیل، در فلسطین درست کنند ولی تا به حال هر چه بوده جنگ و درگیری و خونریزی بوده است. اسرائیل این اصلحه ها را از کجا تامین می کند آمریکا می خواهد فلسطین را به زانو در آورد و بین اسرائیل و فلسطین صلح برقرار کند. طالبان را خودش ساخت و صدام را خودش روی کار آورد ولی بعد دید که این ها اعمالی را خود سرانه انجام دادند. ایران کمی وسیع تر است و نیروهای مومن بیشتری دارد. ترس آنها از عملیات انتحاری است که تحت عنوان تروریست دارند عمل می کنند. در ضمن ما بر این عقیده ایم که افراد باید برای منافع ملت و کشورشان فریاد بزنند و دفاع کنند، اجنبی و دزد را از مملکتشان بیرون کنند. آنها فکر می کنند که اگر ما بتوانیم اورانیوم را غنی سازی کنیم، یک قدرت بزرگی مثل کره شمالی خواهیم شد. چون کره شمالی با قدرتی که در اختیار دارد ژاپن، آمریکا و کره جنوبی را تهدید کرده است اگر ما بتوانیم این کار را انجام دهیم می توانیم به آمریکا اولتیماتم دهیم در صورت هر گونه عمل خلاف از سوی شما، ما اسرائیل را با خاک یکسان می کنیم. آنها نیز تا حد امکان جلوی ما را می گیرند و در برابر آن کار سرمایه گذاری می کنند. خربکاری ها و اعمال نفوذهای آنان از یک طرف، خود ما هم از این طرف کمک می کنیم و حکومت خود را تضعیف می کنیم. مثلاً افراد صالح را رد صلاحیت می کنیم یا روزنامه ها را تعطیل می کنیم و با این کارها بیشتر بهانه به دست دشمنان می دهیم، در صورتی که ما یک کشور سابقه دار هستیم. ملتی بزرگ با رهبرانی بزرگ اسلام در دنیا. چرا ما ضعیف هستیم و چرا بهترین فرصت ها را از دست می دهیم؟ کشور مدیریت صحیح ندارد و اقتصاد خوب عمل نمی کند و جناح ها با هم افراطی عمل می کنند مثل اینکه با هم دشمنی دیرینه ای دارند. این مسئله شاید بر اساس عدم رشد فکری و عدم درک صحیح زمان و عدم دقت ما در ایران باشد. اگر در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکنیم، مخالفان روی کار می آیند. افرادی هم که برای ریاست جمهوری کاندید می شوند بستگی به شورای نگهبان دارند؛ راه حل این است که مقام رهبری اعمال نظر کند که ائتلاف های وابسته به خودشان مثل شورای نگهبان و... تعویض شوند و یک تفکر نو و یک دموکرات حاکم شود. تفکری مثل کدیور. تغییرات در حقوق دانان قوه قضائیه صورت دهند زندانیان سیاسی را آزاد کنند و در کل تنش ها را کم کنند چون مردم از این جو، زده شده اند. مردم علاقه مند به حکومت هستند، به

ماهنامه

فرهنگی - سیاسی

# بیت‌پال تنظیم

مصاحبه اختصاصی با:

دکتر فضل‌الله صلواتی

دموکراسی علاقه مند هستند اگر همین نظام ، دموکراسی و آزادی را تامین کند مردم از همین نظام تبعیت خواهند کرد.

در مورد آقای هاشمی نیز ایشان، خیرالموجودین است، ولی با توجه به شرایط سنی ایشان، بهتر است در همان مجمع تشخیص مصلحت بمانند و عرصه انتخابات ریاست جمهوری را برای جوانان باز بگذارند.